

## خوانش اندیشه نوسنت‌گرایی در معماری معاصر ایران بر مبنای هرمنوتیک فلسفی هایدگر (با بررسی اندیشه‌های حسین شیخ زین‌الدین)

فائزه امیری پویا<sup>۱</sup>، خسرو افزلیان<sup>۲\*</sup>، ایرج اعتصام<sup>۳</sup>، محسن طبسی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<sup>۲</sup> استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. نویسنده مسئول.

<sup>۳</sup> استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

### چکیده

هایدگر بنیان‌گذار هرمنوتیک فلسفی می‌باشد که مهم‌ترین دغدغه او مسئله غفلت از هستی و وجود است. هرمنوتیک فلسفی به معنای دقیق کلمه، مشخصاً به فهم، آن هم فهم خالص اشاره می‌کند. در فرآیند ادراک و فهم هر مقوله‌ای اصولاً دو سویه وجود دارد. با توجه به این که تفاهم از طرق مختلف حاصل می‌شود شاید بهتر باشد که، این انتقال را به پیام نسبت داد. از این رو هرمنوتیک در هنر و معماری مطرح می‌شود. اندیشه معمار و مخاطب، می‌توانند دو سویه مورد نظر در معماری باشند. بدین ترتیب اندیشه معماران معاصر ایران از جمله مباحثی می‌باشد که می‌تواند بر این اساس خوانش شود. شیخ زین‌الدین از آن دسته معمارانی است که پویایی و تغییر را در ذات معماری جست‌وجو می‌کند. بنابراین، این پژوهش در صدد خوانش اندیشه شیخ زین‌الدین بر مبنای هرمنوتیک فلسفی، جهت تعریف زبان جدید برای معماری امروز است. روش تحقیق پژوهش حاضر استدلال منطقی می‌باشد. استدلال منطقی کلام‌محور است؛ بنابراین ماهیت داده‌ها، کیفی است. از این رو به صورت توصیفی است که به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان متمایل می‌باشد. برای شفاف‌سازی روابط بین عناصر و مفاهیم، از خلال سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها در مطبوعات تخصصی معماری؛ کدگذاری انجام می‌شود و در نهایت تکنیک تحلیل گفتمان انجام می‌گردد. در خوانش اندیشه شیخ زین‌الدین بر مبنای هرمنوتیک فلسفی هایدگر، مهم‌ترین گره‌گاه‌ها، تاریخی بودن است. بنابراین می‌توان زبان معماری امروز را بر این اساس تعیین نمود. ویژگی‌های این زبان معماری، عدم تعارض بین سنت و پیشرفت می‌باشد. در اندیشه معمار نوسنت‌گرا صیوروت انسان از گذشته به آینده با استفاده از دستاوردهای گذشتگان و با بیان نو در دنیای جدید اتفاق می‌افتد.

■ **واژگان کلیدی:** هرمنوتیک فلسفی، نوسنت‌گرایی، معماری معاصر ایران، شیخ زین‌الدین.

\* نویسنده مسئول: E-mail: khosrow.afzalian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تأثیرات هرمنوتیک فلسفی بر معماری معاصر شهر تهران ۱۳۹۴-۱۳۴۰" می‌باشد که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد انجام شده است.

## ■ مقدمه

تاریخ زندگی بشر حاکی از تفسیر و تبیین جهان در قالب روایات اساطیری است. ماهیت متفاوت انسان‌ها نشان می‌دهد که تفاسیر آدمی از هستی‌اش و جهان، متکثر است. این تکثر، مبدا تفاوت افکار، فرهنگ‌ها، سنن و تمدن آدمی در تاریخ بوده است، تا جایی که عرصه تاریخ را عرصه تفسیر و انسان را موجودی تاریخ‌مند در عرصه تفسیر نامیده‌اند. با توجه به این که تفاهم از طرق مختلف حاصل می‌شود شاید بهتر باشد که این انتقال را به پیام نسبت داد. برای غلبه بر انواع محدودیت‌های فوق، هرمنوتیک در هنر و معماری مطرح می‌شود. در دوران معاصر، انسان‌ها موفق به کشف زوایایی از مقوله هرمنوتیک شده‌اند که همیشه در حال انجام آن بوده‌اند، ولی کمتر به آن توجه کرده‌اند. هرمنوتیک فلسفی به معنای دقیق کلمه، مشخصاً به فهم، آن هم فهم خالص اشاره می‌کند. در فرآیند ادراک و فهم هر مقوله‌ای اصولاً دو سویه وجود دارد. یک سویه در اثر و یک سویه در مخاطب. دنیای هرمنوتیک فلسفی هایدگر مربوط به زبان مخاطب و نحوه برخورد او با اثر است. ارتباط بین مخاطب و اثر یک ارتباط فلسفی می‌باشد. او به پیش‌فرض‌های خود و به آوای غیر مستقیم موثر (مولف)، که به صورت فرکانسی در آن اثر ذخیره شده است، دسترسی دارد (حقیر، ۱۳۸۱). یک متن یا اثر هنری قابلیت تفسیر و فهم‌های متعدد و متنوع را دارد. از آنجا که، معماری جزئی از ماندگارترین آثار هنری جهان می‌باشد، جاری شدن فرکانس‌های اثر معماری در مخاطب بیشتر شکل می‌گیرد و بیشترین امکان را در بین آثار هنری و در مواجهه هرمنوتیک با مخاطبان فراهم می‌کند. معماری ورقی از اوراق فرهنگی انسان است و پدیده فهم دارای جایگاه ویژه و محکمی در آن می‌باشد. بنابراین می‌توان نگاه معمار یک اثر را به عنوان نگاه عصری، زمینه مطالعه و فهم هرمنوتیکی قرار داد (حقیر، ۱۳۸۱). بدین ترتیب اندیشه یک معمار در شکل‌گیری معماری دوره‌ای می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد و راهگشای معماران در آینده قرار گیرد. با توجه به این که در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده صرفاً به آثار معماری پرداخته شده است، این پژوهش اهمیت بررسی اندیشه معماران را دوچندان می‌کند. از آنجا که نوسنت‌گرایان در معماری معاصر ایران از ماهیت استعاره‌ای معماری گذشته برای ارائه الگوی‌های خود برای معماری حال و آینده استفاده می‌کنند، مطالعه اندیشه آن‌ها می‌تواند راهی برای معماری آینده باشد.

## ■ پیشینه پژوهش

در زمینه معماری و هرمنوتیک پژوهش‌هایی انجام شده است که در این میان می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد گرایش‌ها و روش هرمنوتیکی به فهم‌مندی معماری و شهر» اشاره کرد (شیرمحمدی و زارع، ۱۳۹۴). «موثر، اثر، مخاطب دنیای هرمنوتیک در خوانش متن معماری» از جمله مقاله‌های مرتبط با موضوع حاضر می‌باشد (حقیر، ۱۳۸۱). «بررسی پدیدارشناختی-هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری» از دیگر مقاله‌ها در این زمینه است (صافیان و همکاران، ۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای-تطبیقی معنای مرکز در آرا مکتب اصفهان و اندیشه هایدگر» از دیگر مقاله‌ها می‌باشد (پرتویی و باقریان، ۱۳۹۶). در پژوهش‌های انجام شده آن چه قابل تامل می‌باشد، بررسی مفهوم هرمنوتیک و ارتباط آن با هنر و آثار معماری است. در پژوهش پیش رو نیز، از نظریه هرمنوتیک فلسفی هایدگر استفاده می‌شود. اما در ادامه این مفهوم در اندیشه یک معمار معاصر ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. که این مهم می‌تواند نقطه تمرکز و اهمیت پژوهش حاضر باشد.

## ■ روش تحقیق

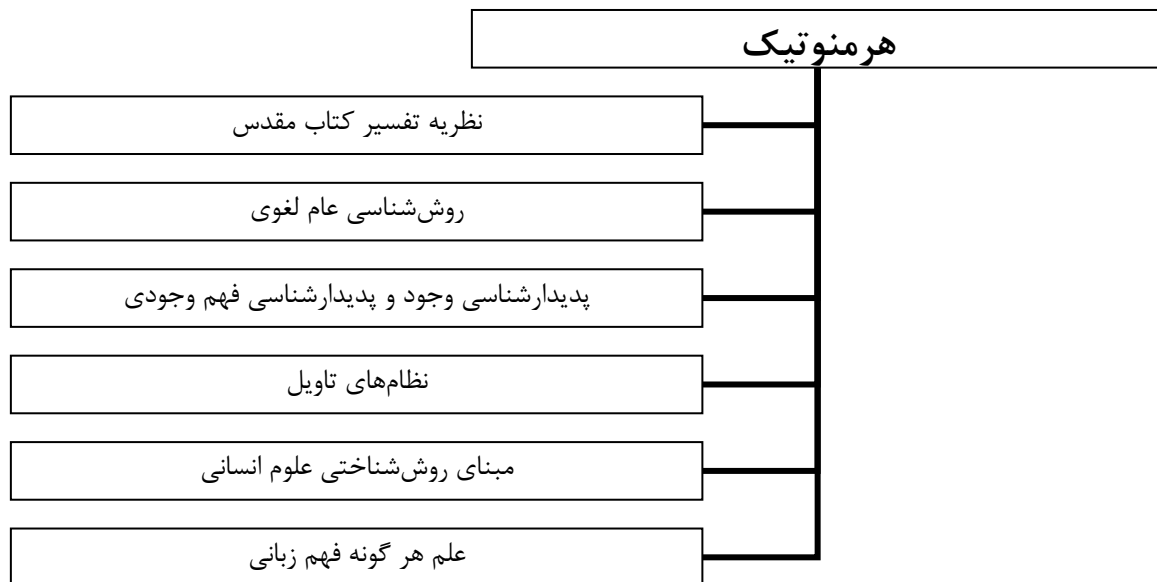
استدلال منطقی از نظر روش‌های تحلیل، در ابزارها و تاکتیک‌های آن، به ساخت فلسفی نزدیکتر است و هدف آن ارائه روش مناسب برای ایجاد سامانه منطقی است که نتیجه آن معنادار کردن و یا شفاف‌سازی روابط بین عناصر و مفاهیم ذهنی می‌باشد. هدف دستیابی به سامانه منطقی، تدوین نظریاتی است که مفاهیم را از حوزه نظری به معماری انتقال می‌دهند. از این‌رو در این تحقیق با توجه به ماهیت آن، از روش استدلال منطقی استفاده می‌شود. اساسی‌ترین ویژگی استدلال منطقی، شمارش اصول اولیه است. با توجه به مبانی نظری پیش رو، محورهای هرمنوتیک فلسفی هایدگر به عنوان سامانه اولیه می‌باشد. از آن‌جا که استدلال منطقی کلام‌محور است (میرجانی، ۱۳۸۹)، پژوهش حاضر از نظر ماهیت داده‌ها کیفی است. از این‌رو به صورت توصیفی است که به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان متمایل می‌باشد. برای شفاف‌سازی روابط بین عناصر و مفاهیم، از خلال سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها در مطبوعات تخصصی معماری، کدگذاری و در نهایت تکنیک تحلیل گفتمان انجام می‌گردد، که از جمله ویژگی‌های تحلیل گفتمان، گره‌گاه، مفصل‌بندی و ساختار نظام معنایی طرد می‌باشد. مجموعه گفتمان‌های معمار نوسنت‌گرا حسین شیخ زین‌الدین بر اساس سامانه اولیه کدگذاری می‌شود. تحلیل داده‌ها با تشخیص مضامین و الگوهای کلیدی سامانه اولیه آغاز می‌گردد و برای انجام این کار، داده‌ها کدگذاری می‌شوند. برای این منظور، بر اساس مفاهیم، برچسب‌ها و نشانه‌هایی به داده‌ها اختصاص داده می‌شود (Coffey and Atkinson, 1996). در پژوهش حاضر برای گزاره‌هایی که با مضامین کلیدی سامانه اولیه در ارتباط بودند کد ۱ و برای گزاره‌هایی که با مضامین کلیدی سامانه اولیه در ارتباط نبودند کد ۰ در نظر گرفته شد.

## ■ مبانی نظری

### ■ هرمنوتیک

علم هرمنوتیک کلمه‌ای است که در محافل کلامی، فلسفی و ادبی هر روز بیش از گذشته شنیده می‌شود. با دعاوی معاصر در اهمیت بنیادین علم هرمنوتیک در سه دانش مضبوط انسانی، علم کلام و فلسفه و تاویل ادبی نیز روشن‌تر می‌شوند (پالمر، ۱۳۹۱). میدان علم هرمنوتیک به طوری که در عصر جدید به ظهور رسیده است دست‌کم به شش نحو نسبتاً متمایز تعریف می‌شود: نظریه تفسیر کتاب مقدس، روش‌شناسی عام لغوی، علم هر گونه فهم زبانی، مبنای روش‌شناختی علوم انسانی، پدیدارشناسی وجود و پدیدارشناسی فهم وجودی و نظام‌های تاویل. هریک از این تعاریف چیزی بیشتر از مرحله تاریخی است. هر یک از آن‌ها با رویکرد مهمی به مسائل تاویل اشاره می‌کنند. می‌توان آن‌ها را تأکیدی بر جنبه تفسیر کتاب مقدس، جنبه لغوی، جنبه علمی، جنبه مربوط به علوم انسانی، جنبه وجودی و جنبه فرهنگی نامید. هر یک از این تعاریف روشن‌گر جنبه‌های مختلف ولیکن مشروع فعل تاویل و به ویژه تاویل متن است (پالمر، ۱۳۹۱، ۴۲-۴۱). هرمنوتیک اصطلاحی است که سطوح بسیار متفاوتی از اندیشه را پوشش می‌دهد. این امر در مورد واژه‌های یونانی که بخشی از واژگان فنی رشته‌های پژوهشی شده‌اند، بیش از پیش صدق می‌کند. هرمنوتیک بیش از هر چیز ناظر به رویه و هنری است که مستلزم یک مهارت خاص است. این امر به یک واژه یونانی دیگر، یعنی تخنه اشاره دارد. هرمنوتیک عبارت است از هنر عملی، یعنی یک تخنه، که با چیزهایی از قبیل موعظه، تفسیر دیگر زبان‌ها، تبیین و توضیح متون سروکار دارد و به عنوان بنیاد تمام این‌ها، هنر فهم است. هنری که به طور خاص همیشه مستلزم معنای چیزی است که روشن و آشکار نیست (گروندن، ۱۳۹۵، ۲۳).

هرمونوتیک تئوری و عمل تاویل است. تاویل شاید، اصلی‌ترین فعل تفکر انسان است. هرمونوتیک اصطلاحی است که سطوح بسیار متفاوتی از اندیشه را پوشش می‌دهد. هرمونوتیک عبارت است از هنر عملی، یعنی یک تخته، که با چیزهایی از قبیل موعظه، تفسیر دیگر زبان‌ها، تبیین و توضیح متون سروکار دارد و به عنوان بنیاد تمام این‌ها، هنر فهم است. هنری که به‌طور خاص همیشه مستلزم معنای چیزی است که روشن و آشکار نیست (گروندن، ۱۳۹۵، ۲۳). هرمونوتیک قانون بنیادین سخن فلسفی است که بسیار پرسش می‌شود و به ندرت پاسخ می‌یابد و هر پاسخ هم فقط راه‌گشا و آغاز پرسش‌های متعدد بعدی است (احمدی، ۱۳۹۴). هرمونوتیک سخنی جهان شمول است، چرا که فراسخنی مطرح می‌شود که به سخن‌های گوناگون مرتبط است. وقتی از تاویل متن سخن گفته می‌شود، دیگر تعیین نمی‌کند که چه متنی موردنظر است. می‌توان هرمونوتیک را سخن مشترک رشته‌های دانایی انسان نامید (احمدی، ۱۳۹۴، ۶۴). یک متن قابلیت تفسیر و فهم‌های متعدد را داراست. این فرآیند بی‌انتهای می‌باشد زیرا متنی را گشوده و قابلیت قرائت‌های مختلف را دارد.



نمودار ۱: معنای هرمونوتیک (نگارندگان)

### هرمونوتیک فلسفی هایدگر

هایدگر بنیان‌گذار هرمونوتیک فلسفی<sup>۱</sup> در قرن بیستم و یکی از تاثیرگذارترین اندیشمندان در این دانش است که آرا او ساختاری جدید در دنیای هرمونوتیک ایجاد کرد. اگرچه شلایر ماخر اولین پژوهشگر بود که در صدد ساختن نظریه عام تاویل برآمد و پدر هرمونوتیک نام گرفت اما سهم هایدگر را در این راه باید بس بزرگ‌تر دانست. این تفاوت را در مقایسه ساحت این دانش در این دو دوره، به روشنی می‌توان دریافت. هایدگر "هستی‌شناس" بزرگی است و بی‌گمان، دیدگاه او درباره هرمونوتیک از نگاه هستی‌شناسانه و پدیدارشناسانه او جدا نیست، شاید بتوان علت اصلی ایجاد هرمونوتیک فلسفی توسط او را نیز همین دانست. برجسته‌ترین تاثیر هایدگر را در عرصه علم، می‌توان آمیز ای دانست که او میان فلسفه، هرمونوتیک و پدیدارشناسی به وجود آورد. در میان نظریه‌پردازان علم هرمونوتیک، هایدگر و گادامر از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. اهمیت آنان به‌جهت پایه‌گذاری هرمونوتیک فلسفی، طرح مبانی کاملاً متفاوت در تاریخ

این علم و ایجاد تحولی عظیم در روند آن می‌باشد. آنان با طرح مفاهیم جدیدی چون پیش‌فهم‌ها، حلقه فهم، زبان، تاریخ‌مندی و متمرکز ساختن هرمنوتیک بر آن‌ها، فصلی نو در این علم گشودند. اگرچه برخی از این مفاهیم در هرمنوتیک پیش‌فلسفی نیز مطرح بودند اما به جهت گسستگی و عدم قرارگیری صحیح در ساختاری منسجم، کاربرد و استحکامی این چنین نداشتند. به همین خاطر هایدگر و گادامر نقاط عطفی در تاریخ هرمنوتیک به حساب می‌آیند (پهلوان و حسینی شاهرودی، ۱۳۸۶). از این دیدگاه، حقیقت چیزی نیست که به تملک کسی درآید و اساساً میان ذهن و عین یا سوژه و ابژه دوگانگی وجود ندارد (علومی، ۱۳۸۸).

مارتین هایدگر در سال ۱۹۲۷ کتاب معروف خود با عنوان «هستی و زمان» را به رشته تحریر درآورد. او شاگرد هوسرل بود. همچنین تأثیرات اندیشه ارسطو در افکار او موضوعی حائز اهمیت می‌باشد. اندیشه هایدگر که در کتاب هستی و زمان به آن اشاره شده است را می‌توان این‌گونه مطرح نمود: مهمترین دغدغه هایدگر مسئله غفلت از هستی و وجود است که فلسفه غرب از دوران افلاطون به بعد تعبیر درستی از معنای وجود نداشت. اگر هستی به درستی درک نشود ماهیت و گوهر انسان شناخته نمی‌شود. هستی یک موجود (هستومند، باشنده، هستنده) متضمن آن است که هستی خود و دیگری را بشناسد. اگر هستی به درستی شناخته نشود، هستی یک موجود به درستی شناخته نمی‌شود. تا قبل از هایدگر همه فلاسفه مشغول به شناخت انسان بودند و هستی را نمی‌شناختند و انسان یک موجود انتزاعی و ریاضی بود. به طوری که دکارت اندیشه را مقدم بر هستندگی مطرح کرده بود (ضیمران، ۱۳۹۳). جهان انسان هایدگر نقطه مقابل جهان دکارت می‌باشد (جدول ۱). جهانی که بر مبنای ریاضیات و فیزیک استوار است و جدایی سوژه یا انسان با ابژه یا جهان پیرامون و بیگانگی انسان با خود، با دیگران و با طبیعت و به طور کلی با جهان در آن مطرح است. فناوری دوران مدرن در نتیجه چنین نگرشی می‌باشد (مهدی‌زاده بیدگلی و میرزاحمدی و رهنما، ۱۳۹۰). در همین راستا هایدگر یک لغت جدید می‌سازد تا بگوید انسان چیست. دازاین، از دا به معنای اینجا و آنجا و زاین به معنای هستی است. اهمیت دازاین حول مسئله هستی و زمان می‌باشد. جهان هنگامی بر دازاین ظهور پیدا می‌کند که او از وجود خود به سوی جهان برود. لذا نحوه وجود دازاین، گشودگی و باز بودن به سوی چیزها و جهان می‌باشد (پرتویی و باقریان، ۱۳۹۶).

جدول ۱: مقایسه دازاین بعد از دکارت و هایدگر (نگارندگان)

دازاین بعد از دکارت	دازاین هایدگر
عقلانیت	وجود
شعور	هستی
ذهنیت	زمان

## ■ عناصر هرمنوتیک فلسفی هایدگر

۱- فهم و پیش‌فهم: از نظر هایدگر کلید فهم، دازاین می‌باشد. در واقع ارتباط بین انسان‌ها و دنیای آن‌ها است و غیرقابل‌گریز؛ و این همان دازاین یا وجود-در جهان<sup>۲</sup> به گفته هایدگر است. هایدگر در نگاه هرمنوتیکی خود فهم را از یک پدیدار اشتقاقی تا جنبه بنیادین هستی دازاین ارتقا بخشید. تحلیل‌های زمانی هایدگر از دازاین نمایانگر آن است که فهم صرفاً یکی از رفتارهای ممکن انسان نیست، بلکه شیوه بودن خود دازاین است و در نتیجه کل تجربه دازاین از جهان را در بر می‌گیرد (کوزنز هوی، ۱۳۸۷، ۳۴۰). نزد هایدگر فهم بعدی هستی‌شناختی دارد و با هستی دازاین گره خورده است. دازاین هستی فهم‌کننده است و فهم جنبه بنیادین هستی او

است (هایدگر، ۱۳۸۶، ۳۵۷). تاریخی بودن، تاریخ فرد یا پیشینه، اشاره به آن چیزی دارد که یک فرهنگ از زمان تولد به شخص منتقل می‌کند، که در بر گیرنده ارائه شیوه‌های فهم جهان نیز هست (Koch, 1995, 831). فهم نوعی فرافکنی است؛ چرا که دازاین با کسب فهم، خود را در امکان‌هایش فرامی‌افکند در واقع، دازاین هستی و وجود خاص انسان است و انسان همواره به سوی رشد و کمال‌یابی در حرکت است و فهم چیزی است که باعث فرافکنی و پیشروی دازاین به سمت کمال می‌شود (پهلوان و حسینی شاهرودی، ۱۳۸۶، ۴۳). از جمله نقاط برجسته تفکر هایدگر مسئله پیش‌فهم (پیش‌ساختار داشتن فهم) است. هر فهم و تفسیری گذشته بر پیش‌ساختار است و هیچ تفسیری بدون پیش‌فهم حاصل نمی‌شود.

از نظر هایدگر، پیش‌فهم ساختاری برای بودن در جهان است. پیش‌فهم، محتوا یا سازمان یک فرهنگ است که قبل از این که آدمی به مرحله فهم وارد شود و این پیش‌فهم بخشی از تاریخی بودن او شود، وجود داشته است. انسان جهان را به واسطه پیشینه و تجربه‌هایش می‌سازد بنابراین تعاملی بین فرد و جهان وجود دارد. هر کدام در عین حال که دیگری را می‌سازند، خود نیز به وجود می‌آیند (Munhall, 1989, 24). هایدگر معتقد است نه تنها انسان‌ها از محیط خود جدا نیستند، بلکه به‌طور صمیمانه با آن در تعامل و ارتباط هستند (پرتویی، ۱۳۸۷، ۴۹). از نظر هایدگر تفسیر، بر ملا کردن امکان‌هایی می‌باشد که فهم برای دازاین ایجاد می‌کند. مراتب معناداری از نظر او عبارتند از: فهم، تفسیر هرمنوتیکی (غیر تحلیلی)، پی بردن به معنا و ارزش، تفسیر تحلیلی.

ابتدا فهمی بسیار سطحی درباره موضوع مورد فهم، در ذهن به وجود می‌آید که در واقع، می‌توان تنها آن را در حد ایجاد رابطه میان پیش‌فهم‌ها و موضوع مورد فهم دانست. پس از این فهم سطحی، بلافاصله تفسیری هرمنوتیکی در ذهن ایجاد می‌شود. تفسیری که هیچ‌گونه تحلیلی در بر ندارد و بسیار عمومی و کلی می‌باشد. سپس ذهن این تفسیر کلی را با درک معنا و ارزش متن، مورد تجدیدنظر قرار داده و در نهایت تفسیری تحلیلی به وجود می‌آید. تفسیری که به‌طور خاص، موجب ادراک موضوع مورد فهم می‌شود و دارای ویژگی‌های فرعی و ویژه آن موضوع می‌باشد.

۲- دور (حلقه) هرمنوتیکی: حلقه هرمنوتیک، در کل به توصیف این نکته می‌پردازد که چگونه جز و کل، در فرآیند فهم و تفسیر، به‌صورتی حلقوی به یکدیگر مربوطند: فهم اجزا برای فهم کل ضروری است، در حالی که برای فهم اجزا، باید کل را درک کرد (حسن‌پور و کیهان‌پور و نوروزی‌طلب، ۱۳۹۵). حرکت رفت و برگشتی بین کل و جز تا آن‌جا ادامه دارد که متن به فهم درآید.

۳- تاریخی بودن انسان: از دیدگاه هایدگر، احوال انسان میدان تجلی زمان‌مندی است و دازاین به جهت زمان‌مند بودن، وجودی ذاتا تاریخی می‌باشد. بدون زمان‌های سه‌گانه گذشته، حال و آینده هیچ حالتی در وجود آدمی قابل تحقق نیست. محور اصلی هایدگر ارتباط دازاین با هستی و زمان است حال آن‌که فلسفه غرب، هستی را با قطع نظر از زمان مورد توجه قرار می‌داد. در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که در نگاه هایدگر وجود، به اعتبار زمان و مکان می‌باشد و در نگاه پیش از او، وجود منهای زمان و مکان است. هایدگر زمانمندی را در سه لحظه متقارن مطرح می‌کند که شامل:

۱- شدن (صیورت): یکی از محورهای وجود انسان، شدن یا صیورت می‌باشد. وجود انسان همواره در شدن است، در امکانات محقق خواهد شد و از حال به آینده وصل می‌شود. از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند، ثابت و ساکن نمی‌باشد و همواره پویا و پرتکاپو است. نقد هایدگر به فلسفه غرب در نفی صیورت است چرا که انسان را ساکن و همانند مجسمه لحاظ می‌کند. صیورت امری اختیاری نیست. دازاین اینجا را قبول نمی‌کند. از لحظه

اکنون و اینجا عبور می‌کند. تفاوت تاریخ خانه‌سازی اولیه و زمان حاضر، نشان‌دهنده این پویایی و سیالیت می‌باشد.

۲- اکنونیت: حلقه اتصال گذشته و آینده است.

۳- حضور: بدون سیورورت و اکنونیت حضور محال است (ضیمران، ۱۳۹۳).

۴- زبان: زبان فقط آن نیست که آشکار یا نهانی را در کلمه‌ها و جمله‌ها درآورد، بلکه حق آن است که زبان، موجود را چون موجود به گشودگی در می‌آورد (هایدگر، ۱۳۷۹، ۵۳). مسئله زبان در تفکر هایدگر جایگاهی خاص دارد. عقل ورای زبان قرار ندارد، بلکه عقل، از ابتدا، خود را در زبان آشکار کرده است. عقل بدون زبان هرگز وجود نداشته است.

از دیدگاه هایدگر حقیقت به معنای ناپوشیدگی همواره همراه با پوشیدگی است. هر اثر هنری هم ظهور وجود و هم غیاب آن است. بنابراین اثر هنری از جهت بستگی ذاتی‌اش به دو نحوه پوشیدگی و ناپوشیدگی با حقیقت هم‌ذات است. بیشترین جلوه ظهور این ناپوشیدگی از نظر هایدگر زبان و بهترین جلوه زبان شعر است. هر هنری به آشکارگی رساندن است. بنابراین از نظر هایدگر هر هنری از آن‌جا که نوعی حقیقت وجود بماهو موجود است، سرودن شعر است. باید توجه کرد که شعر در این‌جا به معنای سخن آهنگین و برآمده از خیال نیست. بلکه سرایش شعر به معنای به ظهور درآوردن چیزی می‌باشد. بدین ترتیب شعر با این ویژگی شامل همه هنرها چون نقاشی، معماری، پیکره تراشی و... می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۹، ۵۴-۵۳). یکی دیگر از اصلی‌ترین ویژگی‌های زبان از منظر هایدگر، وجه جمعی آن است. از آنجا که آدمی با دیگران است، نسبت‌های او با دیگران پیشاپیش در زبان آشکار شده است. اصل زبان آن است که فرد بتواند مقصود و منظور خود را به دیگران بیان کند. به همین دلیل است که گفت‌وگو اصل و اساس زبان است (رجبی و سلیمان حشمت، ۱۳۹۴، ۲۷).

## ■ نوسنت‌گرایی در معماری معاصر ایران

مواجهه هنرمندان ایرانی با هنر مدرن غربی، واقعه تاریخی و فرهنگی عمده‌ای می‌باشد که دامنه اثرات و نتایج آن اگرچه بیشتر در دهه ۱۳۴۰ ه.ش است اما بعد از این دهه و حتی بعد از انقلاب نیز قابل مشاهده می‌باشد. یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نتایج این گسست، شکل‌گیری گفتمان نوسنت‌گرا و تفکر نوگرایی در هنر ایران است. با وقوع فرآیند مدرنیزاسیون در ایران، بازسازی و بازتولید ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز آغاز شد. ذهن هنرمندان ایرانی همواره درگیر این سوال بوده است که چگونه می‌توان تفکر دوگانه نوگرایی را با میراث فرهنگی و سنتی همراه کرد و پیوند داد؟ در این راستا تعریف‌های متعددی از نوسنت‌گرایی ارائه شده است. می‌توان به‌طور خلاصه نوسنت‌گرایی را این گونه تعریف نمود: نوسنت‌گرایی با هویت تلفیقی خود، در پی راهی مسالمت‌آمیز جهت سازگار کردن فرهنگ سنتی، بافت بومی و ملی با مدرنیته جهانی می‌باشد (رفاهی و جاوید صباغیان، ۱۳۹۶). با توجه به تعریف ارائه شده، نوسنت‌گرایی در معماری به بازخوانی ارزش‌های معماری بومی و ایرانی می‌پردازد. از جمله پتانسیل‌های موجود در معماری بومی ایران توانایی شکل‌گیری زبان مشترک با معماری جهان است. می‌توان آن را به زبانی عام و جهانی بیان نمود. همچنین استفاده از ماهیت استعاره‌ای بیان ایرانی در هنرها را در خلق آثار معماری به کار می‌بندد. از دیدگاه این گرایش، معماری گذشته سرشار از زیبایی‌پرچماتی است که در بازآفرینی خود توانایی ارائه الگوهای بی‌همتا برای معماری حال و آینده (جدول ۲) را دارد (حبیبی، ۱۴۰۰).



حسین شیخ زین‌الدین از جمله معماران نوسنت‌گرا است که پویایی و تغییر را در ذات معماری جست‌وجو می‌کند و معماری را صلب و ثابت نمی‌داند که با گذر زمان تغییر نکند. معماری با ارزش از نظر او معماری است که توام با تغییر باشد. او سنت را زمانی دارای ارزش می‌داند که بتواند در تحولات تاریخی با پویایی خود، ماندگار بماند. آنچه در این روند منبع الهام او است، تصرف و به‌روز کردن مفاهیم سنتی می‌باشد. وی تقلید صرف از گذشته را نمی‌پذیرد و الهام گرفتن از مفاهیم اصلی عوامل سنتی همانند هندسه، انتظام، رعایت سلسله‌مراتب و حل کردن مسائل روز را از جمله وظایف معمار می‌داند. (جدول ۳). از نظر وی اگر معماری ایران در آینده بخواهد سهمی در معماری جهان داشته باشد، آگاهی از سنت و میراث به جای ماده از گذشته غیرقابل‌اجتناب است و آینده بدون گذشته بی‌معنا می‌باشد (بانی مسعود، ۱۳۹۴).

جدول ۲: مولفه‌های معماری نوسنت‌گرا در گفتمان شیخ زین‌الدین (نگارندگان)

ابعاد	گفتمان شیخ زین‌الدین	رسانه
نوزایی ارزش‌های بومی و ایرانی (باستانی-اسلامی)	موفقیت معماری آینده منوط به شناخت خوب گذشته است.	نشریه معمار (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۷)
ماهیت استعاره‌ای بیان ایرانی	معماری اسلامی ایران تمثیلی است و در عین سادگی در روح انسان رسوخ می‌کند.	نشریه معماری و شهرسازی (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۸)
عدم تعارض بین سنت و پیشرفت	بیان مفاهیم اختصاصی به زبان عام جهانی	نشریه معماری و شهرسازی (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۸)

جدول ۳: مولفه‌های معماری نوسنت‌گرا در آثار شیخ زین‌الدین (نگارندگان)

ابعاد	آثار شیخ زین‌الدین
نوزایی ارزش‌های بومی و ایرانی (باستانی-اسلامی)	رنگ کاهگلی بخشی از داخل بنا به عنوان نماد معماری ایرانی کنسولگری ایران در توکیو- فضای داخلی تصویر ۱
ماهیت استعاره‌ای بیان ایرانی	استفاده از مکعب ساده و کشیده کنسولگری ایران در توکیو استعاره‌ای از سادگی معماری سنتی ایران. استفاده از برج مدور در موزه دفاع مقدس اصفهان استعاره‌ای از برج‌های خشتی اصفهان
عدم تعارض بین سنت و پیشرفت	استفاده از سطوح شیشه‌ای گسترده، شفافیت و ارتباط بین درون و بیرون
تصویر ۲: موزه دفاع مقدس اصفهان (Khanloo, 2017)	تصویر ۱: کنسولگری ایران در توکیو (Khanloo, 2017)



## ■ خوانش اندیشه حسین شیخ زین‌الدین نوسنت‌گرای معماری معاصر ایران بر مبنای هرمنوتیک فلسفی هایدگر

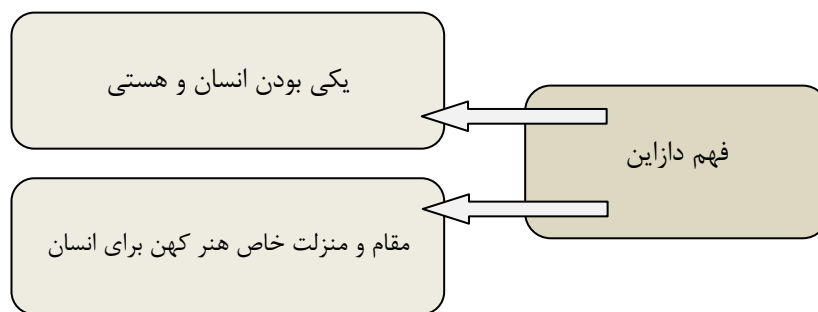
پس از بررسی مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های شیخ زین‌الدین در خلال مطبوعات تخصصی معماری گزاره‌ها استخراج گردید و بر اساس ۴ محور هرمنوتیک فلسفی هایدگر کدگذاری انجام شد (جدول ۴).

جدول ۴: کدگذاری مصاحبه‌ها (نگارندگان)

زبان	دور	تاریخ	دازاین	شیخ زین‌الدین نوسنت‌گرا
۰	۱	۱	۰	سوال از هویت در جوامعی که میراث فرهنگی قابل توجه دارند و سهمی در پیشبرد تمدن سرزنده امروز ندارند، مطرح است.
۱	۱	۱	۰	با در نظر داشتن حس وحدت، مصالح امروزی و الگوهای معماری ایران می‌توان به فضاهای جدید دست یافت.
۱	۱	۱	۰	موفقیت معماری آینده منوط به شناخت خوب گذشته است.
۱	۰	۰	۰	همگام نبودن زبان تکنولوژی با زبان معماری در ایران
۱	۰	۰	۱	زبان ابزاری پیچیده است و انسان با زبان می‌اندیشد.
۱	۱	۱	۱	گفتگو در باب معماری و خلق یک اثر معماری امری ذهنی است.
۱	۱	۱	۱	طراحی واسطه عین و ذهن است.
۰	۰	۰	۰	معماری امروز ایران ارزش را به ضدا ارزش تبدیل کرده زیرا دچار نوآوری بی‌پروا است.
۰	۰	۱	۰	جامعه سنتی متقاضی معماری با ارزش نیست بلکه متقاضی نوستالژی سنت است.
۰	۰	۰	۰	بخش عمده معماری حقایق عینی و سیستم‌ها می‌باشد.
۰	۱	۱	۰	معماری تاریخی ثروت است.
۱	۱	۱	۰	نگاه به معماری گذشته دیدن عناصر باارزش و شروع به حرکت و ساخت، دخل و تصرف است.
۱	۰	۰	۰	در معماری، زبان مشترک است زیرا ابزار و دانش در همه جا شبیه می‌باشند.
۰	۰	۰	۱	انسان امروز در ارتباط با تمام جهان است.
۱	۱	۱	۰	زبان گذشته قابل تکرار نیست و در حال حرکت است.
۰	۱	۱	۱	در صورت حل مسئله معماری خود از میراث تاریخی استفاده شده است.
۱	۱	۱	۰	هویت و سنت با تصرف ما متحد می‌شوند و قابلیت تبدیل به شکل جدید را دارند.
۱	۱	۱	۰	بدون گذشته شکل‌گیری آینده را نمی‌توان متصور شد.
۱	۱	۱	۰	اگر ترکیب گذشته و حال حاصل تعامل باشد عنصر جدید، ریشه در گذشته دارد و بر پایه هویت است.
۰	۱	۱	۰	معماری اسلامی ایران تمثیلی و ساده می‌باشد و در روح انسان رسوخ می‌کند.
۱	۱	۱	۰	حس وحدت در معماری سنتی توسط عناصر نظم، تکرار و سادگی حضور می‌یابد.
۰	۱	۱	۰	مفهوم وحدت در معماری سنتی ایران با داشتن الگو میسر می‌شد.
۰	۱	۱	۰	قدم‌های امروز معماری سازنده آینده است.
۰	۰	۱	۰	برای تغییر و پیشرفت باید نیازها را شناخت و سنت را با نیازها هماهنگ نمود.
۰	۱	۱	۰	سنت همانند نردبانی است که هنرمند را به بام رفیع می‌رساند.
۱	۱	۱	۱	تحقیق یعنی مراجعه به منابع، تجربه، فرهنگ جهانی، سنت، فرهنگ بومی و دادوستد
۰	۰	۰	۰	استفاده صحیح از معماری جهانی برای رفع نیازهای اختصاصی منجر به نوآوری می‌شود.
۰	۱	۱	۰	آینده معماری ایران وابسته به تغییر جدید از تمدن پایدار گذشته است.
۱	۱	۱	۰	با پشتوانه معماری جهانی و معماری سنتی می‌توان زبانی مناسب برای معماری امروز ایجاد کرد.
۱	۱	۱	۱	اگر تخیل آینده با گذشته پیوند بخورد هم تخیل متعلق به خود است و هم گذشته تبدیل به آینده شده است.

## ■ دازاین

از نظر هایدگر، هستی خود را از طریق فهم برای فرد آشکار می‌کند. فهم به نوعی مشخص از هستنده، یعنی دازاین، مربوط می‌شود و هستی در هستندگان می‌باشد. هستی تنها تا زمانی که فهمیدنی باشد به معنای هستی است و فهمیدن متعلق به دازاین است. دازاین هستنده‌ای هست، میان سایر هستندگان، که دارای قابلیت فهم است. هستی از طریق دازاین و از طریق فهم دازاین است که داده می‌شود. پس برای درک هستی، دازاین لزوماً باید وجود داشته باشد (Heidegger, 1982, 16, 19). طبق نمودار ۲ در مفصل‌بندی بر اساس گره‌گاه فهم دازاین، فهم انسان از جمله موارد مورد توجه می‌باشد. همانند هنر کهن که برای انسان مقام و منزلت تعریف شده است و همه ملزم به تبعیت از آن می‌باشند (شیخ زین‌الدین، ۱۳۹۳). انسان با خود و جهان بیگانه نمی‌باشد. انسان و هستی یکی است و ماهیت انسان هستی او می‌باشد. این برخلاف تفکر دکارت است که انسان را غالب بر هستی معرفی می‌کند. از این‌رو پدیده‌ای چند وجهی همانند فرهنگ، ریشه در مقوله‌های انسانی و تمدنی دارد که همانند علوم دقیقه قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۸ الف). زبان به عنوان ابزاری پیچیده مطرح است که انسان برای اندیشیدن به آن نیازمند می‌باشد و معماری نیز زبانی برای آشکار کردن اندیشه معمار است. بنابراین معماری امری بین عین و ذهن انسان قلمداد می‌شود که منظور از ذهن ناگفته‌ها و عین گفته‌ها و آشکارگی می‌باشد.

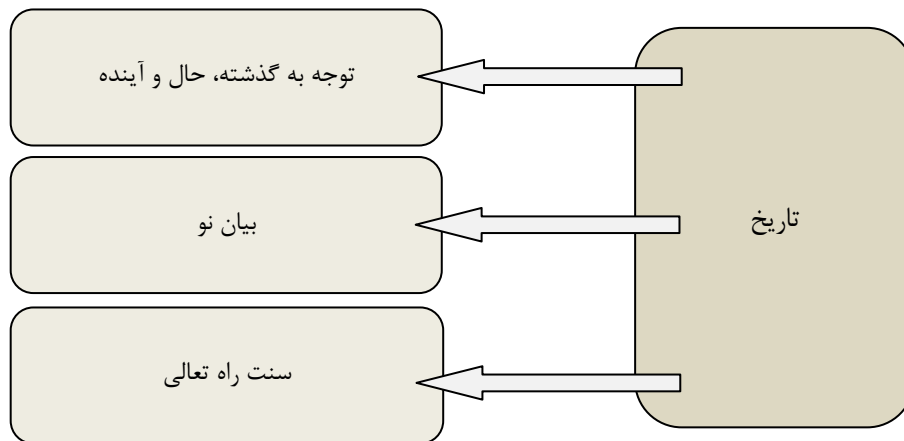


نمودار ۲: مفصل‌بندی بر اساس گره‌گاه دازاین (نگارندگان)

## ■ تاریخی بودن

بر اساس نمودار ۳، می‌توان تاریخی بودن، حضور گذشته، حال و آینده را در اندیشه زین‌الدین بسیار پررنگ‌تر مشاهده کرد. نشانه‌های تاریخی بودن، نه فقط با توجه به گذشته بلکه با نگاه به آینده برای حال، همان‌طور که اشاره می‌کند، دستاوردهای گذشتگان، میراث، سنت و هویت، می‌تواند با تخیلی جدید با جلوه‌ای نو در فرهنگ جهانی معرفی شود. تغذیه تخیل آینده‌نگر از فرهنگ جهانی و پیوند آن با گذشته سبب تبدیل گذشته به آینده می‌شود. از این‌رو آینده تکرار سنت و هویت گذشته نیست و جهانی شدن و بومی بودن جمع‌شدنی می‌باشند (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۸ ب). از این‌رو می‌توان گفت عدم تعارض سنت با پیشرفت وجود دارد و تکنولوژی می‌تواند در راستا و همگام با سنت، نه در مقابل آن قرار بگیرد. این مهم، با شناخت نیازها و سنت میسر شده و تغییر و پیشرفت را حاصل می‌شود. سنت همان نردبانی است که هنرمند را به بام رفیع می‌رساند. چنانچه از نردبان سنت به بام تعالی دست پیدا کند هویت خاص ظهور می‌یابد که نه مثل گذشته است و نه تقلیدی از مشخصه‌های دیگران. بدون گذشته شکل‌گیری آینده را نمی‌توان تصور کرد. در ملت‌های زنده تغییرات بر پایه گذشته آن‌ها می‌باشد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۲). زبان گذشته قابل تکرار نیست و در حال حرکت است (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۱). ضرورت انسان از

گذشته به آینده با استفاده از دستاوردهای گذشتگان و با بیان نو در دنیای جدید اتفاق می‌افتد. انسان ساکن و منجمد نبوده بلکه با سیالیت و جریان حضور می‌یابد.

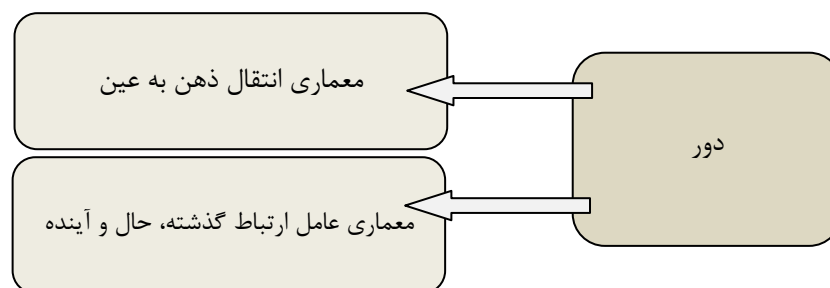


نمودار ۳: مفصل‌بندی براساس گره‌گاه تاریخ (نگارندگان)

### دور هرمنوتیک

اگر یک اثر معماری، کل در نظر گرفته شود، مواردی همچون تاریخ و سنت را که سبب درگیری مخاطب با اثر می‌شوند می‌توان جزئی از اثر در نظر گرفت. چرا که سبب شکل‌گیری شناسایی می‌شوند که از جمله موارد تشکیل‌دهنده هویت می‌باشد.

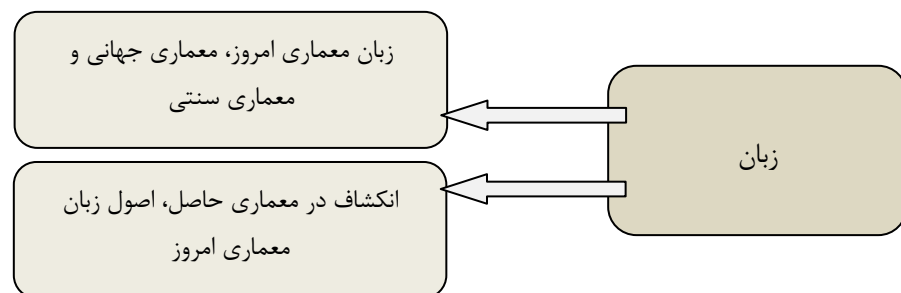
بر اساس نمودار ۴، معماری عملی جامع است که امکان یک کل را میسر می‌کند (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۲). معماری واسطه عین و ذهن است (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۲). از پیش‌فهم دازاین تا انکشاف و گشودگی، عمل رفت‌و‌برگشت وجود دارد. از آنجا که عمل ذهن و عین یک فرآیند رفت‌و‌برگشتی می‌باشد، دور هرمنوتیک با ارتباط گذشته، حال و آینده در جریان است. آنچه امروز با عنوان هویت، در جوامعی که دارای میراث فرهنگی می‌باشند، مطرح است، می‌تواند در اثر عدم وجود این عمل رفت‌و‌برگشت و برقراری ارتباط اجزا با کل باشد. زیرا سهمی در تمدن سرزنده امروز ندارند. یا تحت‌تاثیر پیشرفت و تکنولوژی می‌باشند و یا در گذشته مانده‌اند. چرا که با شناخت خوب گذشته می‌توانند ارتباط بین آن با آینده را بیابند و به فضاهای جدید دست یابند.



نمودار ۴: مفصل‌بندی‌ها براساس گره‌گاه دور (نگارندگان)

## ■ زبان

آدمی به واسطه زبان اجازه می‌دهد که خود، دیگران، اشیا و وجود خودش آشکار شوند. زبان خود، دیالکتیک میان دازاین و اشیا تودستی را از طریق ایجاد شبکه ارجاعات و نشانه‌ها امکان‌پذیر می‌کند. هر هنری از آن‌رو که به آشکارگی رساندن است، سرودن شعر است. شعر به معنای سخن آهنگین و برآمده از خیال نیست. بلکه سرایش شعر به معنای به ظهور در آوردن چیزی می‌باشد. بنابراین شعر با این ویژگی شامل همه هنرها چون نقاشی، معماری، پیکره تراشی و... می‌شود (هایدگر، ۱۳۷۹، ۵۴-۵۳). اصل زبان آن است که فرد بتواند مقصود و منظور خود را به دیگران بیان کند. به همین دلیل است که گفت‌وگو اصل و اساس زبان است (رجبی و سلیمان حشمت، ۱۳۹۴، ۲۷). از این‌رو معماری نوعی آشکار کردن می‌باشد که به وسیله آن معمار اندیشه خود را به دیگران بیان می‌کند. زبان که عمده‌ترین محصول ذهن بشر است، دوجانبه می‌باشد. یعنی هم خودش ذهن انسان را می‌سازد و هم به وسیله ذهن انسان ساخته می‌شود. فهم آدمی از این جهان به وسیله واژه‌ها است و تقدم واژه‌ای به واژه‌ای دیگر خلق معانی متعدد می‌کند. زبان را باید فهمید و نباید واژه‌ای را اختراع کرد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۹۳). کلمات یک تاریخچه دارند و یکی از مهم‌ترین ویژگی آن‌ها سوق دادن به معانی هرمنوتیک زبانی است. یعنی هر کلمه چه می‌خواهد بگوید. فرهنگ در ویژگی‌های هر زبان متجلی است. با پیشنهاد معماری جهانی و معماری سنتی می‌توان زبانی مناسب برای معماری امروز ایجاد کرد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۸ الف). گفت‌وگو در باب معماری و خلق یک اثر معماری امری ذهنی است. زبان ابزاری پیچیده است و انسان با زبان می‌اندیشد (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۲). زبان معماری امروز می‌تواند زیبایی را خلق کند که نوعی انکشاف است و سبب گشودگی می‌شود. کل وضعیت مدرن باعث هنر جدید و هرمنوتیک است (شیخ زین‌الدین، ۱۳۹۳). نمودار ۵. در معماری زبان مشترک وجود دارد و این اشتراک سبب هویت نمی‌شود. مصالح و زبان معماری جدایی‌ناپذیرند (شیخ زین‌الدین، ۱۳۸۱).

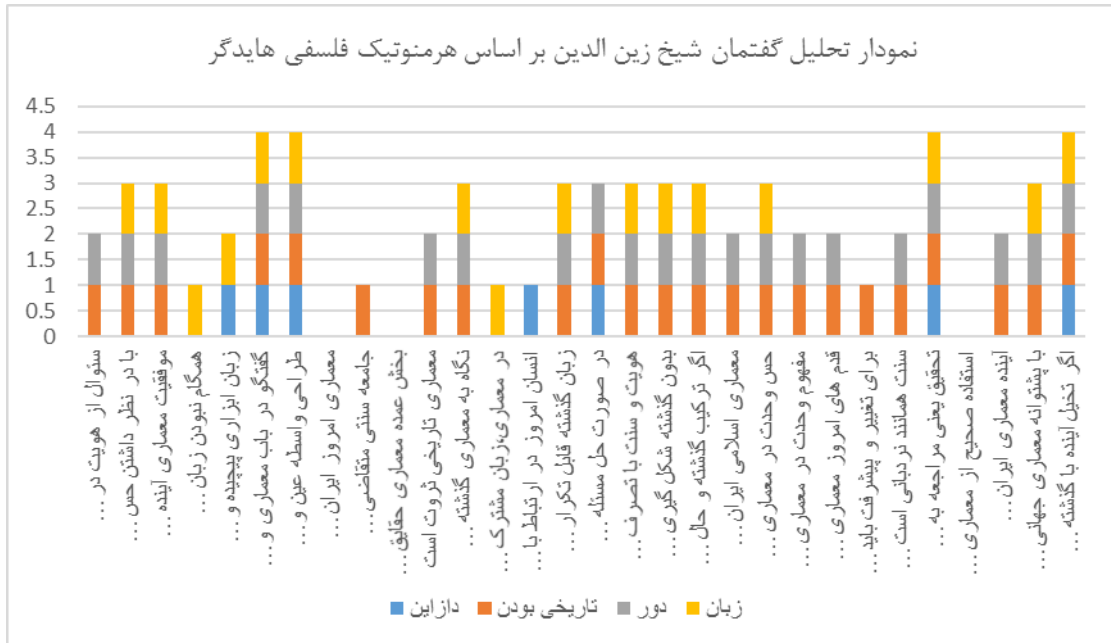


نمودار ۵: مفصل‌بندی براساس گره‌گاه زبان (نگارندگان)

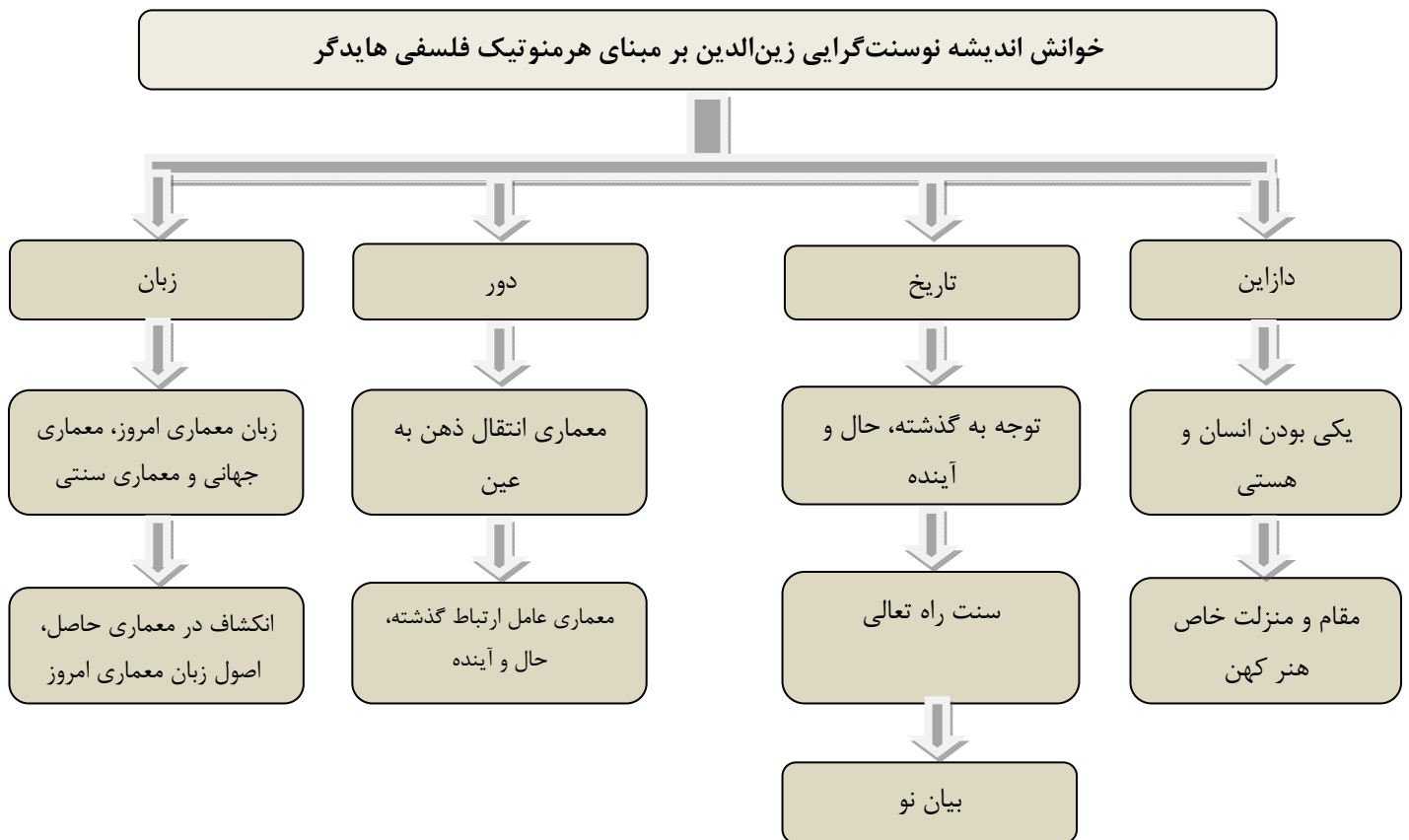
## ■ تحلیل یافته‌ها

بررسی محورهای هرمنوتیک فلسفی هایدگر در اندیشه معمار، در نمودار ۶ مطرح شده است. فراوانی محورها با استفاده از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۳ و تابع COUNTIF حاصل شده است. حضور محورها با توجه به فراوانی عبارتند از: تاریخ، دور، زبان و دازاین. آنچه در این نمودار جلب توجه می‌کند محور تاریخی و فراوانی محور تاریخی می‌باشد. در راستای محور تاریخی، محور دور و سپس زبان از فراوانی بیش‌تر برخوردارند. آشکارگی توسط زبان را می‌توان تاریخ یک قوم قلمداد کرد. بنابراین می‌توان سه محور تاریخ، دور و زبان را وابسته به یکدیگر عنوان نمود. در این نمودار،

محور دازاین با کمترین فراوانی قابل مشاهده است. در نمودار ۷ گره‌گاه‌های هرمنوتیک فلسفی هایدگر و واژه‌های مرتبط با اندیشه معمار مشاهده می‌شوند.



نمودار ۶: تحلیل گفتمان شیخ زین الدین بر اساس هرمنوتیک فلسفی هایدگر (نگارندگان)



نمودار ۷: مفصل‌بندی اندیشه شیخ زین‌الدین بر اساس هرمنوتیک فلسفی هایدگر (نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

شیخ زین‌الدین معمار نوسنت‌گرایی است که پویایی و تغییر را در ذات معماری جست‌وجو می‌کند و معماری را صلب و ثابت نمی‌داند. می‌توان نگاه او را به عنوان نگاه عصری، زمینه مطالعه و فهم هرمنوتیکی قرار داد. بنابراین در خوانش اندیشه شیخ زین‌الدین محورهای هرمنوتیک فلسفی هایدگر، یعنی دازاین، تاریخ، دور و زبان به عنوان سامانه اولیه در روش تحقیق استدلال منطقی مشخص گردید. کدگذاری گزاره‌ها (جدول ۴)، بر مبنای سامانه اولیه حاصل شد. در نهایت، بر اساس (نمودار ۶) حاصل از تحلیل گفتمان، می‌توان شاخص‌ترین گره‌گاه در اندیشه شیخ زین‌الدین را تاریخ عنوان کرد که با فراوانی ۲۳، در (نمودار ۷)، با نشانه‌هایی نظیر: توجه به گذشته با توجه به دنیای امروز، سنت راه تعالی و بیان نو مطرح شده است. گره‌گاه دور با فراوانی ۲۱ با نشانه‌هایی چون: انتقال ذهن به عین و معماری عامل ارتباط گذشته، حال و آینده عنوان شده و گره‌گاه زبان با فراوانی ۱۶ و نشانه‌هایی از قبیل: زبان معماری امروز، معماری جهانی و معماری سنتی، انکشاف در معماری حاصل و اصول‌زبان معماری امروز مطرح شده است. در نهایت گره‌گاه دازاین با فراوانی ۷ و نشانه‌هایی نظیر یکی بودن انسان و هستی و مقام و منزلت خاص هنرکهن عنوان گردیده است.

برای پاسخ به پرسش و فرضیه پژوهش، می‌توان اندیشه شیخ زین‌الدین را که در پی تعریف زبان جدید برای معماری امروز می‌باشد، بر مبنای هرمنوتیک فلسفی، خوانش نمود. این انکشاف با وحدت میان معماری جهان و معماری سنتی ایران، یعنی حرکت بین گذشته و آینده نه با دفاع از سنت‌های تاریخی به سبب ناسازگاری با مولفه‌های جهان جدید، بلکه با سیالیت و پویایی با خود شدن انسان از طریق سنت و ارتباط او با آینده از طریق معماری جهانی میسر شده است.

## پی‌نوشت

- 1- Martin Heidegger
- 2- In being

## فهرست منابع

- احمدی، بابک و مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۹۴). *هرمنوتیک مدرن*. تهران: نشر مرکز، چاپ یازدهم.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). *معماری معاصر ایران (در تکاپوی سنت و مدرنیته)*. تهران: هنر معماری قرن.
- پالمر، ریچارد. ا. (۱۳۹۱). *علم هرمنوتیک*. ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- پرتویی، پروین و باقریان، محمد صابر. (۱۳۹۶). *بررسی مقایسه‌ای-تطبیقی معنای مرکز در آرا مکتب اصفهان و اندیشه هایدگر*. باغ نظر، ۱۴ (۴۸)، ۳۰-۱۷.
- پرتویی، پروین. (۱۳۸۷). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر.
- پهلوان، مریم و حسینی‌شاهرودی، مرتضی. (۱۳۸۶). *تاملی در آرای هرمنوتیک هایدگر و گادامر*. فصلنامه اندیشه دینی، ۹ (۲۲)، ۶۲-۴۱.



- حبیبی، سید محسن. (۱۴۰۰). *شرح جریان های فکری معماری و شهر سازی در ایران معاصر*. تهران: پژوهش های فرهنگی.
- حسن پور، محمد و کیهان پور، محسن و نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۹۵). *ماهیت دور هرمنوتیکی فهم، در زیبایی شناسی تاویل عکس*. باغ نظر، ۱۳ (۴۴)، ۱۲-۵.
- حقیر، سعید. (۱۳۸۱). *موثر، اثر، مخاطب دنیای هرمنوتیک در خوانش متن معماری*. زیبا شناخت، نیمه دوم، (۷)، ۱۱۷-۱۲۶.
- رجبی، روح اله و سلیمان حشمت، رضا. (۱۳۹۴). *زبان در اندیشه های دیگر*. حکمت و فلسفه، ۱۱ (۴)، ۲۳-۴۰.
- رفاهی، هدی و جاوید صباغیان، مقداد. (۱۳۹۶). *تحلیل زمینه مند نوسنت گرایی در هنر معاصر ایران (دهه ۱۳۴۰ شمسی) از منظر گفتمان شناسی میشل فوکو*. فصلنامه علمی پژوهشی کیمیای هنر، ۲۵ (۶)، ۲۳-۳۷.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۲). *سالهای میهمانی*. نشریه معماری و شهرسازی، (۴۰ و ۴۱)، ۴۲.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۷). *مهمانسرای حافظیه*. نشریه معمار، (۱)، ۲۰-۱۴.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۸ الف). *از پدیدار تا پندار*. نشریه معماری و شهرسازی، (۵۵)، ۷۴-۷۰.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۷۸ ب). *هویت متصرف*. نشریه معماری و شهرسازی، (۵۰)، ۳۹-۳۶.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۸۱). *زبان و تکنیک*. نشریه معمار، (۱۷)، ۴۵-۲۸.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۸۲). *زبان، فضا، معماری*. نشریه هنر و معماری، (۱۷)، ۲۱۰.
- شیخ زین الدین، حسین. (۱۳۹۳). *اندیشه معماران معاصر ایران*. مصاحبه کننده: سید علیرضا قهاری و اسماعیل آزادی، تهران: فرهنگ صبا، جلد اول.
- شیرمحمدی، شهرام و زارع، سیدعلی. (۱۳۹۴). *بررسی و نقد گرایش ها و روش های هرمنوتیکی به فهم مندی معماری و شهر*. مدیریت شهری، ۱۴ (۴۱)، ۸۵-۱۰۵.
- صافیان، محمدجواد و انصاری، مائده و غفاری، علی و مسعود، محمد. (۱۳۹۰). *بررسی پدیدار شناختی - هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری*. پژوهش های فلسفی، ۵ (۸)، ۱۲۹-۹۳.
- ضیمران، محمد. (۱۳۹۳). *مجموعه درس گفتارهای های دیگر*. موسسه رخداده تازه.
- علومی، اسما. (۱۳۸۸). *معرفی و نقدی بر روش تحقیق هرمنوتیک*. کتاب ماه علوم اجتماعی، (۲۲)، ۹۹-۹۵، دوره جدید.
- کوزنزهوی، دیوید. (۱۳۸۷). *های دیگر و چرخش هرمنوتیکی در هرمنوتیک مدرن*. ترجمه: بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- گروندن، ژان. (۱۳۹۵). *درآمدی به علم هرمنوتیک فلسفی*. ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مینوی خرد.
- مهدی زاده بیدگلی، زهره و میرزا محمدی، محمدحسن و رهنما، اکبر. (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل دیدگاه انسان شناختی های دیگر درباره فناوری و دلالت های آن در تعلیم و تربیت*. دوفصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، ۸ (۶)، ۱۲۸-۱۲۳.
- میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). *استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش*. نشریه صفا، ۲۰ (۵۰)، ۵۰-۳۵.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۷۹). *سرآغاز کار هنری*. ترجمه: پرویز ضیاشهبایی. تهران: هرمس.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۶). *هستی و زمان*. ترجمه: سیاوش جمادی. تهران: ققنوس.

- Coffey, Amanda & Paul. Atkinson. (1996). *Making sense of qualitative data: complementary research strategies*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Heidegger, Martin. (1982). *The Basic Problems of Phenomenology*. (Albert Hofstadter, Compiler.). Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press.
- Koch, Tina. (1995). *Interpretive approaches in nursing research: The influence of Husserl and Heidegger*. *Journal of Advanced Nursing*, 21, 827-836.
- Khanloo, Nasim. (2017). *Tahlile ravande tarahi zeynedin*. Retrieved September 15, 2022, from <https://shahrsazionline.com/112563-33>.
- Munhall, Patricia. (1989). *Philosophical ponderings on qualitative research methods in nursing*. *Nursing Science Quarterly*, 2(1), 20.